

مبانی روش‌های پژوهش ترکیبی

تلفیق پژوهش‌های کمی و کیفی

در پژوهش اجتماعی و رفتاری

ویراست دوم

تألیف

دکتر عباس تشکری

دکتر آر. بورک جانسون

دکتر چارلز ب. تدلی

ترجمه

دکتر مجید پاکدامن

عضو هیئت علمی دانشگاه

فهرست

مقدمه.....	۱۱
سپاس‌گزاری ناشر.....	۱۵
درباره نویسندگان.....	۱۷
بخش نخست: روش‌های ترکیبی / ۱۹	
فصل ۱: روش‌های ترکیبی به‌منزله سومین جامعه پژوهشی.....	۲۱
سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری.....	۲۲
یک مثال از چگونگی رویکرد سه جامعه پژوهشی به یک مسأله پژوهشی.....	۲۹
سه جامعه روش‌شناختی: بحث‌های مداوم یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟.....	۳۶
تفاوت‌های بین پارادایم‌ها، روش‌شناسی‌ها و روش‌ها.....	۴۰
مراحل پژوهش: رویکرد سیستمی.....	۴۴
جزئیات بیشتر در مورد جوامع روش‌شناختی.....	۴۸
چرخه پژوهش استقرایی- قیاسی (چرخه روش‌شناسی پژوهش).....	۶۰
خلاصه فصل.....	۶۳
فصل ۲: سه رویکرد به پژوهش.....	۶۶
تمایزهای روش‌شناختی بین سه جامعه پژوهشی: پیوستارها، نه دوگانگی.....	۶۷
موضوعات مرتبط با روش‌های ترکیبی: اصطلاحات و تعاریف.....	۷۰
کاربرد پژوهش‌های ترکیبی.....	۷۵
خلاصه فصل.....	۸۲
فصل ۳: مبانی فلسفی روش‌های پژوهش ترکیبی.....	۸۴
مرور مسائل فلسفی مرتبط با پارادایم‌ها.....	۸۷
دیدگاه‌های معاصر در مورد استفاده از پارادایم‌ها.....	۱۰۱
خلاصه فصل.....	۱۰۵
بخش دوم: روش‌ها و راهبردهای پژوهش ترکیبی / ۱۰۹	
۴.....	۱۱۱
دروندادهای فرایند پژوهش.....	۱۱۱
مقدمه: مرحله آغازین پژوهش.....	۱۱۲
دلایل انجام پژوهش در علوم اجتماعی و رفتاری.....	۱۱۴
ظهور ایده‌های قابل پژوهش در حوزه‌های مورد علاقه.....	۱۲۱
انجام بررسی‌های ادبیات.....	۱۲۹
ایجاد اهداف برای پژوهش ترکیبی (MM).....	۱۳۷
ایجاد سؤالات پژوهشی برای پژوهش ترکیبی (MM).....	۱۳۹
خلاصه فصل.....	۱۴۵
فصل ۵: طرح‌های پژوهش ترکیبی.....	۱۴۷
مسائل مربوط به گونه‌شناسی طرح‌های پژوهش ترکیبی.....	۱۴۹
معیارهای مورد استفاده در انواع طرح‌های پژوهش ترکیبی.....	۱۵۰
طرح‌های پژوهشی روش‌های شبه‌ترکیبی.....	۱۵۴
اصطلاحات اساسی برای طرح‌های پژوهش ترکیبی.....	۱۵۸
ماتریس طرح توالی- منابع.....	۱۶۰

طرح‌های معروف در پژوهش‌های تک‌روشی، چندروشی و ترکیبی.....	۱۶۵
گونه‌شناسی‌های دیگر طرح‌های پژوهشی روش‌های ترکیبی (MM).....	۱۷۸
فرایند شش مرحله‌ای برای انتخاب یا ساخت یک طرح مناسب برای روش‌های ترکیبی (MM).....	۱۸۳
خلاصه فصل.....	۱۸۶
فصل ۶: روش‌ها و راهبردهای نمونه‌گیری برای پژوهش ترکیبی.....	۱۸۹
روش‌ها و راهبردهای نمونه‌گیری در علوم اجتماعی و رفتاری.....	۱۹۱
روش‌های نمونه‌گیری احتمالی سنتی.....	۱۹۳
روش‌های سنتی نمونه‌گیری هدفمند.....	۱۹۸
ملاحظات کلی در مورد نمونه‌گیری روش‌های ترکیبی.....	۲۰۴
رویکردهای نمونه‌گیری در روش‌های ترکیبی.....	۲۱۰
راهنمای نمونه‌گیری در روش‌های ترکیبی.....	۲۲۰
خلاصه فصل.....	۲۲۳
فصل ۷: ملاحظات قبل از گردآوری داده‌ها.....	۲۲۵
آماده شدن برای مرحله بعد: قبل از شروع.....	۲۲۶
مقدمه‌ای بر گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی (MM).....	۲۳۴
کیفیت داده‌ها در بخش‌های کمی و کیفی پژوهش ترکیبی (MM).....	۲۴۰
خلاصه فصل.....	۲۵۳
فصل ۸: روش‌های گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی.....	۲۵۵
روش‌های اصلی گردآوری داده‌ها در پژوهش ترکیبی.....	۲۵۸
گردآوری داده‌های روش‌های ترکیبی بین‌روشی.....	۲۸۵
خلاصه فصل.....	۲۹۷
فصل ۹: تحلیل داده‌ها در پژوهش ترکیبی.....	۲۹۹
راهبردهای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی.....	۳۰۱
چهار نوع اصلی تحلیل داده‌های کیفی.....	۳۰۴
راهبردهای تحلیل داده‌های کمی.....	۳۰۸
به کارگیری جنبه‌هایی از چارچوب‌های تحلیلی یک سنت در تحلیل داده‌های سنت دیگر.....	۳۴۳
خلاصه فصل.....	۳۴۸
فصل: فرایند استنتاج در پژوهش ترکیبی.....	۳۵۱
پژوهش ترکیبی و استنتاج‌ها.....	۳۵۵
استنتاج پژوهشی چیست؟.....	۳۵۷
فرایند استنتاج.....	۳۵۹
ارزیابی و به حداکثر رساندن کیفیت استنتاج‌های پژوهشی.....	۳۶۵
توضیح تکمیلی برای چارچوب یکپارچه ما از روش‌های ترکیبی.....	۳۸۸
انتقال‌پذیری استنتاج‌ها در پژوهش‌های ترکیبی.....	۳۹۱
خلاصه فصل.....	۳۹۴
فصل ۱۱: از آغاز تا بهره‌برداری.....	۳۹۶
از آغاز تا بهره‌برداری از نتایج پژوهش.....	۳۹۸
انجام و انتشار مطالعات روش‌های ترکیبی.....	۴۰۰
سیاست‌ها، چالش‌ها و چشم‌اندازهای پیش روی روش‌های ترکیبی (MM).....	۴۱۶
آموزش و یادگیری روش‌شناسی پژوهش (یکپارچه).....	۴۲۳
چالش‌ها و جهت‌گیری‌های آینده.....	۴۳۰
خلاصه فصل.....	۴۳۷
پیوست: اجرای تلفیق در یک مطالعه روش‌های ترکیبی.....	۴۳۸
چکیده.....	۴۳۸
کلیدواژه‌ها.....	۴۳۸
سوگیری باور در استدلال.....	۴۴۱
روش.....	۴۴۳
نتایج.....	۴۵۲
بحث.....	۴۵۵
ضمیمه.....	۴۶۱
واژه‌نامه.....	۴۶۵
منابع.....	۴۸۱

روش‌های ترکیبی

سومین جنبش روش‌شناسی



روش‌های ترکیبی به‌منزلهٔ سومین جامعهٔ پژوهشی

اهداف

پس از مطالعهٔ این فصل، باید بتوانید:

- مفهوم پارادایم از دیدگاه کوهن و مفهوم جامعهٔ پژوهشی را توضیح دهید.
- بین سه جامعهٔ پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری (روش‌شناسان کیفی‌گرا، روش‌شناسان کمی‌گرا و روش‌شناسان روش‌های ترکیبی) تمایز قائل شوید.
- تفاوت‌های رویکرد پژوهشگران سه جامعهٔ روش‌شناختی به یک مسألهٔ پژوهشی را توضیح دهید.
- مناظرهٔ پارادایم‌ها را با استفاده از مفاهیم تز ناسازگاری و تز سازگاری شرح دهید.
- موضوع همزیستی بین سه جامعهٔ پژوهشی را مورد بحث قرار دهید.
- بین روش‌شناسی، روش‌ها و پارادایم تفاوت قائل شوید.
- مراحل چرخهٔ پژوهش (چرخهٔ پژوهش استقرایی - استنتاجی) را شناسایی کنید.

پژوهش ترکیبی با عناوین مختلفی از جمله سومین جنبش روش‌شناختی (تدلی و تسکری، ۲۰۰۳)، مسیر سوم (گورارد و تیلور، ۲۰۰۴) و سومین الگوی پژوهشی (جانسون و اونوگوبوزی، ۲۰۰۴) و عناوین مشابه دیگر توسط افراد مختلف در این حوزه شناخته شده است. در این کتاب، ما به دلیل تمرکز بر روابطی که در درون و میان سه گروه اصلی پژوهشگرانی که در حال حاضر در علوم اجتماعی و رفتاری به پژوهش مشغول‌اند، وجود

دارد، پژوهش ترکیبی^۱ (MM) را به منزله سومین جامعه پژوهشی در نظر می‌گیریم. اگر چه ترکیب روش‌های کیفی و کمی سابقه‌ای طولانی دارد (جانسون و گری، ۲۰۱۰؛ مکسول، ۲۰۱۹)، پژوهش ترکیبی در جایگاه یک روش‌شناسی صریح در اواخر قرن بیستم به مثابه جایگزینی برای دوگانگی سنت‌های کیفی (QUAL) و کمی (QUAN) ظهور کرد. این کتاب بر روش‌های ترکیبی (MM) تمرکز دارد، اما ظهور آن باید در چارچوب دو پسر عمومی قدیمی‌تر آن مورد بررسی قرار گیرد. در این کتاب، ما به سنت‌ها، رویکردها، روش‌شناسی‌ها و موارد مشابه کمی و کیفی فقط برای اهداف آموزشی و بحث اشاره می‌کنیم. همان‌طور که در بخش مربوط به پیوستار چندبعدی در فصل ۲ به طور مفصل بحث خواهیم کرد، تقریباً هر پروژه پژوهشی دارای عناصر رویکردهای کیفی و کمی در یکی از اجزای خود (مثلاً سؤال، گردآوری داده‌ها، داده‌ها، تجزیه و تحلیل، تفسیر و غیره) است. بنابراین، ما معتقد نیستیم که خطوط مشخصی رویکردهای کیفی و کمی به پژوهش را از هم جدا کند و هر مطالعه پژوهشی را در یک سطح و درجه‌ای به یک مطالعه ترکیبی تبدیل کند. این فصل چهار هدف دارد: (۱) معرفی مختصر سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری، (۲) نشان دادن چگونگی رسیدگی متفاوت سه جهت‌گیری پژوهشی به یک مسئله پژوهشی مشابه، (۳) بحث مختصر در مورد مسائل مربوط به تعارض و توافق بین سه جامعه، و (۴) بحث در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های بین سه جامعه بر اساس نحوه ورود آنها به چرخه پژوهش (چرخه پژوهش استقرایی - استنتاجی).

سه جامعه پژوهشی در علوم اجتماعی و رفتاری

توضیحات پایه‌ای سه جنبش روش‌شناختی

به طور کلی، پژوهشگران در علوم اجتماعی و رفتاری را می‌توان به سه گروه طبقه‌بندی کرد:

- دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری با گرایش کمی (QUANs): عمدتاً در چارچوب پارادایم پس‌اثبات‌گرایی/اثبات‌گرایی کار می‌کنند و به طور عمده به داده‌ها و تحلیل‌های عددی علاقه‌مند هستند.
- دانشمندان علوم اجتماعی و رفتاری با گرایش کیفی (QUALs): عمدتاً در چارچوب پارادایم برساخت‌گرایی کار می‌کنند و به طور عمده به داده‌ها و تحلیل‌های روایی علاقه‌مند هستند.
- پژوهشگرانی که اهمیت هر دو گرایش QUAN (کمی) و QUAL (کیفی) را درک می‌کنند: این پژوهشگران روش‌های ترکیبی عمدتاً در چارچوب پارادایم پراگماتیستی کار می‌کنند.

این سه جنبش روش‌شناختی مانند جوامعی هستند که اعضای هر گروه تمایل دارند

زمینه‌های مشابه، مفروضه‌های فلسفی، جهت‌گیری‌های روش‌شناختی و ایده‌ها و شیوه‌های پژوهشی مشترکی داشته باشند. نمونه‌هایی از برخی تفاوت‌های اساسی فکری و فرهنگی بین این پژوهشگران، نحوهٔ آموزش آنها، انواع برنامه‌های پژوهشی که دنبال می‌کنند و انواع سازمان‌های حرفه‌ای و گروه‌های بهره‌ور خاصی است که به آنها تعلق دارند. این تفاوت‌های گروهی به حس تمایز جامعه برای هر گروه کمک می‌کند. با این حال، ذکر این نکته مهم است که همیشه برخی تفاوت‌های درون‌گروهی وجود خواهد داشت. توماس کوهن (۱۹۷۰) جوامع علمی را به شرح زیر توصیف کرد:

دانشمندان بر اساس مدل‌هایی کار می‌کنند که از طریق آموزش و از طریق مواجههٔ بعدی با نوشته‌ها به دست آمده‌اند، اغلب بدون اینکه کاملاً بدانند یا نیاز داشته باشند که بدانند چه ویژگی‌هایی به این مدل‌ها وضعیت پارادایم‌های جامعه را داده است. (ص ۴۶)

این سه جامعهٔ روش‌شناختی در سراسر علوم اجتماعی و رفتاری مشهود هستند و به شیوه‌های جالب و گاه غیرقابل پیش‌بینی در حال تکامل هستند. چندین اصطلاح به طور خلاصه در فصل ۱ معرفی شده و سپس در ادامهٔ این کتاب با جزئیات بیشتری ارائه می‌شوند. از آنجا که در کل فصل ۱ به پارادایم‌ها اشاره شده، یک پارادایم (برای مثال، پسااثبات‌گرایی، برساخت‌گرایی، پراگماتیسم) را می‌توان به منزلهٔ نوعی جهان‌بینی تعریف کرد که شامل مجموعه‌ای از مفروضه‌ها و باورهای فلسفی و روش‌شناختی است. هر یک از سه جامعهٔ پژوهشگران در علوم اجتماعی و رفتاری با یک یا چند پارادایم غالب مرتبط بوده‌اند.

سنت کمی: اصطلاحات پایه و دو نمونهٔ اولیه

روش‌شناسی کمی و پارادایم اثبات‌گرایی/پسااثبات‌گرایی مرتبط با آن، برای بخش اعظمی از قرن بیستم جهت‌گیری روش‌شناختی غالب و نسبتاً بدون چالش در علوم اجتماعی و رفتاری بود. **روش‌های کمی** را می‌توان به ساده‌ترین و مختصرترین شکل، به مثابهٔ فنونی تعریف کرد که با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه داده‌ها و اطلاعات عددی (یا تبدیل شده به عددی) مرتبط هستند.

پژوهشگران کمی در ابتدا به اصول **اثبات‌گرایی** پایبند بودند - دیدگاهی که بر این باور است که «پژوهش اجتماعی باید روش علمی را اتخاذ کند، این روش در کار فیزیک‌دانان مدرن، نمونه است و شامل آزمایش دقیق فرضیه‌ها به وسیله داده‌هایی است که به صورت اندازه‌گیری‌های کمی درمی‌آیند» (اتکینسون و همزلی، ۱۹۹۴، ص ۲۵۱). **پسااثبات‌گرایی** شکل جدیدتر، اصلاح‌شده و بهبودیافتهٔ اثبات‌گرایی است که به بسیاری از انتقادهای شناخته‌شده‌تر جهت‌گیری اثبات‌گرایی می‌پردازد، اما همچنان بر روش‌های کمی (فیلپس و بربلز، ۲۰۰۰) تأکید دارد. برای مثال، موضع اصلی اثبات‌گرایان این بود که پژوهش‌های علمی کاملاً عینی و عاری از ارزش هستند. اثبات‌گرایان فرض می‌کردند که پژوهشگران می‌توانند بدون تأثیر ارزش‌های خود به انجام پژوهش و تفسیر نتایج بپردازند. از سوی دیگر،

پسائاثبات‌گرایان اذعان دارند که نظام‌های ارزشی آنها نقش مهمی در نحوه انجام پژوهش و تفسیر نتایج آن ایفا می‌کند (برای مثال، فیلیپس و بربلز، ۲۰۰۰). تقریباً تمام پژوهش‌های کمی کنونی در علوم اجتماعی و رفتاری، به جای سلف اثبات‌گرایی خود، ریشه در دیدگاه پسائاثبات‌گرایی دارد (جانسون، ۲۰۰۹). امروزه در علوم اجتماعی و رفتاری، تعداد کمی از پژوهشگران کمی در پارادایم قدیمی اثبات‌گرایی جای می‌گیرند.

سؤالات پژوهشی، پژوهش‌ها را هدایت می‌کنند و به جنبه‌های ناشناخته یک پدیده مورد علاقه مربوط هستند. پاسخ به سؤالات پژوهشی کمی بر اساس داده‌های عددی است. **فرضیه پژوهشی**، پاسخی پیش‌بینی‌شده به یک سؤال پژوهشی است. قبل از اینکه پژوهشگران یک مطالعه پژوهشی را انجام دهند، پیش‌بینی‌هایی در مورد روابط بین پدیده‌های اجتماعی انجام می‌دهند (یعنی تدوین فرضیه‌ها). این پیش‌بینی‌ها بر اساس نظریه، پژوهش‌های قبلی یا منطق‌های دیگری صورت می‌گیرد. پس از اینکه پژوهشگران داده‌های تجربی پژوهش را گردآوری و تحلیل می‌کنند، تعیین می‌کنند که آیا فرضیه مورد تایید قرار گرفته است یا خیر. **تحلیل داده‌های کمی (آمار)**، تحلیل داده‌های عددی با استفاده از فوننی است که شامل (۱) توصیف ساده پدیده مورد علاقه یا (۲) جست‌وجوی تفاوت بین گروه‌ها یا روابط بین متغیرها است.

جامعه کمی (QUAN) توسط مجموعه‌ای از متون کلاسیک هدایت می‌شود، از جمله آثار سه‌گانه‌ای از دونالد تی. کمپبل و همکارانش که هسته منطقی این سنت را تشکیل می‌دهند (برای مثال، کمپبل و استنلی، ۱۹۶۳؛ کوک و کمپبل، ۱۹۷۹). سومین کتاب این مجموعه، طرح‌های آزمایشی و شبه‌آزمایشی برای استنتاج علی تعمیم‌یافته (شیدیش، کوک و کمپبل، ۲۰۰۲)، در قرن بیست و یکم منتشر شد و به‌طور مؤثری سنت کمی را به‌روزرسانی کرد. کادرهای ۱.۱ و ۱.۲ حاوی توصیف‌هایی از دو پژوهشگر نمونه به نام‌های پروفسور آزمایش‌گرا و پروفسور عددی هستند که اعضای جامعه پژوهشگران کمی تلقی می‌شوند. ما در اینجا دو نمونه اولیه از کمی‌ها را ارائه می‌کنیم زیرا تفاوت‌های عمده‌ای بین پژوهشگران تجربی (پروفسور آزمایش‌گرا) و پژوهشگرانی که عمدتاً با داده‌های غیرتجربی مانند نظرسنجی‌ها، پژوهش‌های توسعه‌ای و سایر طرح‌های توصیفی و همبستگی/پیش‌بینی کمی کار می‌کنند (پروفسور عددی) وجود دارد. ما نمی‌خواهیم این تصور را القا کنیم که همه کمی‌ها تجربه‌گرا هستند.

سنت کیفی: اصطلاحات پایه و یک نمونه اولیه

پژوهشگران و نظریه‌پردازان کیفی در ربع پایانی قرن بیستم چندین کتاب معروف نوشتند. این نویسندگان رویکرد اثبات‌گرایی را به شدت مورد انتقاد قرار دادند و روش‌های جایگزین کیفی متنوعی را پیشنهاد دادند. نقدهای آنان بر اثبات‌گرایی، که با لحنی تحقیرآمیز آن را سنت

کادر ۱.۱

پژوهشگر نمونهٔ کمی ۱: پروفیسور آزمایش‌گرا

پروفیسور آزمایش‌گرا در دانشکدهٔ روان‌شناسی دانشگاه فلگشیب مشغول به کار است. او پژوهش‌های خودش را در آزمایشگاه‌های تالامی‌نورندایک انجام می‌دهد و شرکت‌کنندگان در پژوهش او دانشجویان سال اول و دوم هستند. پروفیسور آزمایش‌گرا در حوزه‌ای به نام نظریهٔ اسناد کار می‌کند و برای پی بردن به آخرین یافته‌های این حوزه، مجله‌های جدید را مطالعه می‌کند. او از مدل فرضیه‌ای - استنتاجی (که در فصل‌های ۲ و ۴ توضیح داده می‌شود) استفاده می‌کند و بر اساس نظریهٔ XYZ اسمیت (و نه نظریهٔ ABC جونز) فرضیه‌های پیشینی خودش را تدوین می‌کند. پروفیسور آزمایش‌گرا فرض می‌کند که گروه آزمایش او نسبت به گروه کنترل، پاسخ بهتری به سوالات بسته‌شدهٔ یک پرسش‌نامه که برای اندازه‌گیری متغیرهای وابستهٔ مورد نظر طراحی شده، نشان خواهند داد. او به همراه همکارش، دکتر استنتاجی، که به خاطر مهارتش در شناسایی نتایج آماری معنادار شناخته می‌شود، فرضیه‌ها را با استفاده از تحلیل‌های آماری مورد آزمون قرار می‌دهد.

کادر ۱.۲

پژوهشگر نمونهٔ کمی ۲: پروفیسور عددی

پروفیسور عددی یک جامعه‌شناس پزشکی در دانشگاه فلگشیب است. او معمولاً برای گردآوری داده‌های پژوهشی خود از پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌های تلفنی استفاده می‌کند. شرکت‌کنندگان در مطالعات او نوجوانان و جوانان بزرگسال هستند. پژوهش‌های پروفیسور عددی بر پیش‌بینی رفتارهای پرخطری که ممکن است موجب ابتلا به ایدز شود، متمرکز است. یکی از علائق پژوهشی او سنجش کفایت سه نظریه برای پیش‌بینی رفتار است: نظریهٔ رفتار منطقی، نظریهٔ رفتار برنامه‌ریزی شده و مدل باور بهداشتی. پروفیسور عددی فرض می‌کند که مدل باور بهداشتی نسبت به دو نظریهٔ دیگر، رفتارهای پرخطر جوانان بزرگسال را با دقت بیشتری پیش‌بینی می‌کند. او برای پیش‌بینی رفتارهای شرکت‌کنندگان بر اساس تعدادی از عوامل بالقوهٔ مهم، از روش‌های آماری پیچیده استفاده می‌کند.

پذیرفته‌شده می‌نامیدند، به تثبیت پژوهش کیفی به مثابهٔ جایگزینی کارآمد برای پژوهش کمی کمک کرد.

روش‌های کیفی را به ساده‌ترین و مختصرترین شکل می‌توان مجموعه‌ای از فنون مرتبط با گردآوری، تحلیل، تفسیر و ارائه اطلاعات روایتی تعریف کرد که مشارکت‌کنندگان با کلمات خودشان و در پاسخ به سوالات باز پاسخ ارائه می‌دهند.

بسیاری از پژوهشگران کیفی به جهان‌بینی‌ای به نام برساخت‌گرایی^۱ و شاخه‌های آن گرایش دارند (برای مثال، گوبا، ۱۹۹۰؛ لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵؛ ماکسی، ۲۰۰۳). برساخت‌گرایان بر این باورند که پژوهشگران به صورت فردی و جمعی، معنای پدیده تحت بررسی را می‌سازند. افزون بر برساخت‌گرایی سنتی (برای مثال، برگر و لوکمان، ۱۹۶۷) و شاخه‌های

آن، دیدگاه‌ها یا سنت‌های دیگری (برای مثال، برساخت‌گرایی انتقادی) نیز با پژوهش کیفی مرتبط هستند. برساخت‌گرایی انتقادی، سیاست نظریه انتقادی را به آن می‌افزاید (یعنی می‌خواهد تبعیض و نابرابری‌ها را از بین ببرد)؛ این نوع برساخت‌گرایی به طور معمول توسط پژوهشگرانی به کار گرفته می‌شود که در پنج نسخه از کتاب راهنمای معروف پژوهش کیفی سیج مشارکت داشته‌اند، که اولین نسخه آن در سال ۱۹۹۴ (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴) و آخرین نسخه در سال ۲۰۱۸ (دنزین و لینکلن، ۲۰۱۸) منتشر شده است.

پاسخ‌ها به سؤالات پژوهش کیفی به صورت روایت هستند. **تحلیل داده‌های کیفی (مضمونی)**، تحلیل داده‌های روایتی با استفاده از طیف وسیعی از فنون استقرایی و تکرارشونده، از جمله راهبردهای دسته‌بندی و زمینه‌سازی (کل‌نگر)، است. **استدلال یا منطق استقرایی** شامل حرکت از خاص به عام است، که نحوه تحلیل استقرایی نیز به همین شکل است: پژوهشگر به کمک مجموعه‌ای از داده‌ها، یک نظریه را از موارد خاص استخراج می‌کند. مرحله اول تحلیل داده‌های کیفی معمولاً منجر به شناسایی تم‌ها (مضمون‌ها) می‌شود و مرحله دوم تحلیل به دنبال روابط پیچیده درون داده‌ها است (بازلی، ۲۰۱۳؛ مایلز، هوبرمن و سالدانا، ۲۰۲۰). برای سادگی، **تحلیل داده‌های کیفی گاهی تحلیل تماتیک** یا تحلیل مضمون نیز نامیده می‌شود.

جامعه کیفی همچنین دارای متون کلاسیک متنوعی است، از جمله آثار گلاس و استروس (۱۹۶۷)، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، مایلز و هوبرمن (۱۹۸۴، ۱۹۹۴)، پاتون (۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۱۵)، استیک (۱۹۹۵) و وولکوت (۱۹۹۴). پنج نسخه از کتاب راهنمای پژوهش کیفی سیج (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴، ۲۰۰۰، ۲۰۰۵a، ۲۰۱۱، ۲۰۱۸) از محبوبیت زیادی برخوردار بوده و می‌توان آنها را متون اصلی برای رویکرد برساخت‌گرا/کیفی در نظر گرفت. کادر ۱.۳ شامل شرحی از یک پژوهشگر نمونه‌ای کیفی به نام پروفیسور هولستیکو است که عضو جامعه پژوهش کیفی است.

کادر ۱.۳

پژوهشگر نمونه کیفی: پروفیسور هولستیکو

پروفیسور هولستیکو در دانشکده انسان‌شناسی دانشگاه فلگشپ مشغول به کار است. او پژوهش خود را درباره اعضای خزن گروه‌های خلافکار در دبیرستان‌های دولتی سراسر ایالت انجام می‌دهد. پروفیسور هولستیکو در حال توسعه نظریه‌ای برای توضیح رفتارهای این افراد است که برخی اثر آنها را طی دو سال گردآوری داده‌های قوم‌نگاری به خوبی شناخته است. ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد با این خزنان جوان زمان بر بود، و او باید برای حفظ اعتماد آنان احتیاط کند. او حجم زیادی از داده‌های روایتی را گردآوری کرده است، که اکنون به طور مکرر آنها را می‌خواند تا به تم‌های در حال ظهور پی ببرد. او تجربیات خود را با همکارش، پروفیسور ایندوکتیوا، که به خاطر توانایی‌های تحلیلی قوی و استفاده از استعاره‌های جذاب شناخته می‌شود، در میان می‌گذارد. برای بررسی اعتبار نتایجش، پروفیسور هولستیکو آنها را در روندی به نام واریسی توسط اعضا به اعضای گروه‌های خلافکار ارائه خواهد داد.